

جناب علیمحمد خان طیب از اهل صاد علیه بهاء الله الأبھی ملاحظه نمایند

هوالأبھی

ای ناظر بملکوت الهی در ایامیکه جمال قدم و اسم اعظم بانوار اشراق افق عراق را منور فرمودند جمیع رؤسای امم از علما و فضلا و امرا و کبرا در ساحت اقدس حاضر میشدند و شفاهاً سؤالات مشکله از مسائل معضله مینمودند فوراً از فم مطهر بابدع بیان و اتمّ تبیان جواب میشدند و در نهایت قناعت و اذعان و اعتراف باحاطه رحمن رجوع مینمودند از هر فنی از فنون عادیّه و مشکله سؤال میکردند و از فم مشیت باوضح عبارت حلّ حقیقت میفرمودند مثلاً عالم توراتی مسئله بسیار مشکلی از تورات سؤال مینمود فوراً جواب میشدند و عالم انجیلی مسئلهئی از مسائل معضله انجیل سؤال میکرد بمجرد بیان اقناع میشد و تحریری فرقانی حاضر میشد آنچه مشکلتین مسائل در نظر داشت حلّش را التماس مینمود و چون زمین تشنه از نزول ماء زلال قناعت حاصل میکرد و همچنین عارف و حکمی و ریاضی و حکیم و مهندس و ادیب و شاعر حتی علمای جغرافیا و این قضیه مسلّم در نزد عموم طوائف بود و الی الآن جمیع طوائف آن ارض مقررّ و معترفند و جمیع بکمالات بی نهایت جمال قدم مقررّ و مدعن قدرت و احاطه حقّرا در این ظهور اعظم ملاحظه نما و چون تطبیق بمظاهر ظهور در سابق نمائی عظمت این ظهور مشهود و معلوم گردد جمال محمدی روح الوجود له فدا واقف اسرار ماکان و مایکون بفیض کردگار بودند ولی بظاهر بنصّ قرآن در جواب معترضین و ما اوتیت من العلم الاّ قليلاً میفرمودند و همچنین لا اعلم الغیب و سأخبرکم غداً جواب عنایت میکردند چون مراجعت بتفاسیر قوم شود حقیقت حال معلوم و واضح گردد ملاحظه فرمائید این اجوبه آنحضرت بنصّ قرآن و همچنین ظهور احاطه و علم و قدرت و عظمت اسم اعظم را در این ظهور اتمّ اقوم که در ایران و عراق و قسطنطنیه و ادرنه و در بدایت این سجن اعظم که ملاقات میفرمودند ملاحظه نما جمیع طوائف و قبائل و علما و فضلا و امرا و وزرا که بساحت اقدس فائز شدند اقرار و اعتراف بر عظمت و اقتدار و علوّ مقام مظهر ظهور و جمال قیوم نمودند و در سؤالات خویش باقرار و اعتراف خود اجوبه مقنعه شنیدند ولی مسئله ظهور کینونت غیبیه را بر خویش آسان نتوانستند نمود اما در عظمت رحمانیه و قدرت و قوت کبریائی و جلال و جمال ربّانی ابداً شبهه نداشتند چنانچه در قصائد علما و فضلاهی اهل سنّه و شیعه و فضلاهی اهل انجیل حتی علما و مدرّسین طائفه پروتستان که متعصّبترین طوائف هستند مذکور و مشهود است حال علمای مخالفین چنین شهادت داده اند و بنصّ قرآن عربان مکّه که محقرّترین ناس در آنزمان بودند واذا رأوک ان یتخذوک الاّ هزواً ا هذا الذی بعنه الله رسولاً میگفتند و این کلمه اعتراض را بجه جسارت بزبان میرانند کسر الله فهمهم و افحمهم و قطع دابر قوم معترضین و الحمد لله ربّ العالمین حال ملاحظه فرمائید که ظهور باین عظمت که آیات باهره اش عالم وجود را احاطه نموده است و السن مقبل و معرض بشنایش ناطق و اقتدار و بزرگواریش در نزد عموم ملل شرق و غرب مسلّم بعضی از بی فکران در صدد رد نوشتن بر بعضی کلمات مبارکش افتادند و خود را رسوای عالم نمودند چه که آن تفسیر حدیث از جمال مبارک نیست بلکه تفسیر و حدیث هر دو از امامست علیه السلام این عارف گمان نموده است حدیث از امامست و تفسیر و شرح حدیث از جمال مبین از قلت تمیز سهو باین عظیمی واقع شده است و ردّ بر امام نوشته است سبحان الله عارفان زمان چنان کشف غطا نموده اند و چشم بصیرت باز کرده اند که قول ائمه معصوم را از خود ائمه که مظاهر علم الهی هستند بهتر میفهمند ای کاش مطلع حکمت الهی حضرت امام در این نشئه باقی بودند و معانی حدیث خود را از این عارف کامل استفسار میفرمودند و میفهمیدند باری محلّ عبرتست ذبایی چند گمان نموده اند که اوج عقاب گیرند و پشهئی چند تصوّر نمودند که معارضه با سلیمان وجود نمایند قطرات مقاومت بحر اعظم خواستند و خفاشان بیهوشان ستر انوار آفتاب انور آرزو کنند فنعم ما قال

ای ضیاء حقّ حسام دین و دل
ای دل و جان از قدم تو خجل
قصد آن دارند این گلپارها
کز حسد پوشند خورشید تو را

هیئات هیئات حکایت کنند که چون سلطان محمد عثمانی قسطنطنیه را محاصره نمود شخصی از وزراء قیصر بر شخصی از علمای مسیحی در شهر وارد شد ملاحظه نمود که آن عالم بنوشتن و نگاشتن مشغول سؤال نمود که بچه مشغولی گفت مشغول به رد نوشتن بر حضرت رسول و بر قرآن آن وزیر قیصر متغیر شده از شدت حدت طپانچه‌ئی بر گوش آن عالم زد که دیر خبر شدی وقتیکه علم مبین آن شخص در حجاز و یثرب بود لازم بود که رد بنویسد حال که آن علم اعظم پرچمش پشت دروازه قسطنطنیه موج میزند و بنگ کوس نبوتش گوش شرق و غرب را پر کرده و انوار عزت‌ش چشم عالم را خیره نموده مشغول رد نوشتن شده‌اند برخیز درمانی بجهت درد خود بجوئید و مرهمی بجهت زخم درون خویش بیابید و راه فراری تحرّی نمائید که آن کوکب شمس مضمیء شد و آن سراج بدر منیر گشت ما چاره جز قبول جزیه نداریم عنقا شکار کس نشود دام باز چین باری این عارف نیز دیر خبر شد حال که صیت اعظم جمال قدم در آفاق امکان نشر شده و انوار بزرگواریش مشارق و مغارب امکانرا احاطه نموده و امواج بحر بیانش روی زمین را غرق کرده این بی‌چاره در فکر رد نوشتن افتاده و از قضای اتفاق رد بر نفس امام بزرگوار نوشته است تا آیه مبارکه صمّ بکم عمی و هم لا یشعرون ظاهر و محقق گردد چون عبارت رد را بسیار بی‌پا یافتم لائق ندیدم که خود تعرض بجواب کنم لهذا بعضی از احبّا جواب نوشتند و یکی از آن جوابها ارسال شد بجناب خان نشان بدهید و اگر ممکن باشد بیعضی از مریدان عارف نشان بدهند و بفهمانند که عارف چه قدر عارف است